

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اثبات حقانیت اسراء و معراج

محقق: وزیر احمد عظیمی

زیر نظر: استاد عتیق اللہ افندی

تہیہ و ترتیب: مرکز ہدایت؛ رد اسلام ستیزان

مرکز ہدایت در سچہ ای بسوی ہدایت ورد اسلام ستیزان و شہات باطل شان، با ما پیونید۔



مرکز ہدایت؛ رد اسلام ستیزان



Hedayat1442@



۰۰۹۳۷۸۶۹۹۵۸۳۵

اسراء و معراج

بدون شک اسراء و معراج به همراه جسم و روح در بیداری صورت گرفت؛ زیرا لفظ عبد بر مجموع جسم و روح اطلاق می‌شود؛ از همین رو بود که سبب تعجب و انکار کفار گشت؛ زیرا دیدن این امور در خواب امر قابل تعجب و انکاری نمی‌باشد؛ چنانچه اگر کسی ادعا کرد که در خواب از شرق به غرب پرواز کرده است؛ در حالی که در مکانش هیچ‌نوع تبدیلی صورت نگرفته، هیچ‌کسی نیست که آن را انکار نماید.

دلایل اثبات اسراء و معراج:

(الف)

در مورد اسراء و معراج، دلایل بسیار زیادی از قرآن کریم و احادیث نبوی موجود است؛ به طور نمونه در آیه‌ی اول سوره‌ی اسراء، الله متعال می‌فرماید: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى- الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا...﴾ «تسبیح خدائی را سزا است که بنده خود را در شبی از مسجدالحرام به مسجدالاقصی برد، آنجا که دور و بر آن را پربرکت ساخته ایم تا برخی از نشانه‌های خود را بدو بنمایانیم.

فعل «اسراء» از باب «إفعال» بوده و متعدی است؛ یعنی در شب بردن به طرف خدا نسبت داده شده است، آیا معقول است که کودکی خردسال بتواند به تنهایی به کوه هیمالیا صعود کند؟! قطعاً جواب منفی است، اما اگر دیگران او را حمل کرده و به بالای کوه برده باشند، این امر باور کردنی و عادی به شمار می‌رود؛ قضیه‌ی اسراء و معراج نیز همین گونه است؛ زیرا ما معتقدیم که پیامبر ﷺ بنا به قدرت خداوند در



یک شب از مکه به بیت المقدس و از آنجا به آسمان حرکت کرده است و هیچ چیز نمی تواند مانع قدرت خداوند شود، بلکه قدرت او بر هر مخلوقی مسلط و چیره است، پس پذیرش این پدیده از نگاه عقل ممکن است، هر چند به دلیل نا آشنایی مردم آن زمان با این واقعیات، مورد انکار عرف واقع شده باشد.^۱

(ب)

حاصل شدن حرکت سریع برای رسول الله ﷺ چیز بسیار آسانی در نزد الله متعال است؛ زیرا الله متعال جهان هستی کهکشانها و فضای بی نهایت زمین و آسمان را از عدم آفریده و او بر هر چیز تواناست، آیا ایجاد هستی از عدم قابل باورتر است یا انتقال پیامبر ﷺ از جایی به جایی دیگر؟

حد اکثر چیزی که می توان گفت این است که این کار خلاف عادت است و همه معجزات همین گونه بر خلاف عادت می باشد.^۲

(ج)

پیامبر ﷺ زمانی که از آن سفر برگشتند، مسائل و اتفاقاتی که برای مسافران پیش آمده بود را مفصل گزارش کردند و خصوصیات مسجد الاقصی را به طور کامل تشریح نمودند؛ به گونه ای که آنان را به تعجب و حیرت واداشت. مسافران عرب نیز پس از مدتی به سرزمین مکه رسیدند و تمام آن چه که پیامبر ﷺ فرموده بودند را تأیید و تصدیق کردند.^۳

۱. شگفتی های خداوند در جهان آفرینش، دکتر محمد راتب نابلسی؛ (ص/۷۹) - ناشر: انتشارات آراس.

۲. اظهارالحق، شیخ رحمه الله بن خلیل الرحمن الهندی رحمته؛ (ص/۳۸۸) - الناشر: المكتبة العلمية - بیروت لبنان.

۳. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی؛ (ج/۱/ص/۳۸۰) - ناشر: نشر دانش - قم.



(د)

برای بشر امروزی که می‌تواند با وسیله‌ای به سرعت ۴۰،۰۰۰ کیلومتر در ساعت در مدت ۳ روز به ماه سفر کند، درک و پذیرش اسراء و معراج پیامبر ﷺ بسی آسان شده است. این که ساخته‌ی دست بشر است آیا خالق بشر نمی‌تواند با چنین سرعت بالایی پیامبر را به عالم ملکوت ببرد؟

(ه)

در حدیث صحیح وارد شده که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: من خوابیده بودم که یک نفر مرا بیدار کرد و به من گفت: سوار اسب بُرّاق شو! اسم این اسب در اکثر روایات بُرّاق آمده که صفت مشبّه است و از نظر برخی عُلما بُرّاق است بر وزن فَعّال که از نوع صیغه مبالغه است و از فعل بَرَقَ مأخوذ شده است، سرعت بُرّاق بسیار فوق العاده و سریع السیر بود و با طُرفه العینی از مکانی به مکان دیگر حرکت می‌کرد و مشکل برخورد و بارش شهاب سنگ، گرمای بالاتر از جوّ کمبود اکسیژن و سایر مشکلات و محدودیتهای فضایی با امواج برق بُرّاق از بین رفته بود و پیامبر عظیم الشان توانست با این امکانات پیشرفته ولی در ظاهر ساده به دور ترین نقاط جهان ماوراء سفر نماید.

اگر سرعت سیر و سائلی که امروز انسان ساخته در حدود ۱۲ کیلومتر در ثانیه است آن مرکب سرعتی نزدیک به سرعت نور یعنی ۳۰۰ هزار کیلومتر در ثانیه و یا بالاتر از آن است.

(و)

مردم به خواص طبیعی اشیا انس گرفته و قوانین جاری خداوند در طبیعت را که

۱. شگفتی‌های خداوند در جهان آفرینش، دکتر محمد راتب نابلسی؛ (ص/ ۸۰) - ناشر: انتشارات آراس.



گردش آسمان‌ها و زمین بر آن قرار گرفته است، به آسانی پذیرفته و می‌پذیرند، مثلاً برای آب، آتش، و حرکت از مکانی به مکان دیگر، خواص و قوانین مشخصی وجود دارد، برخی از اجسام با شرایط پیرامونی خود هماهنگ و برخی دیگر ناهماهنگ ستند، اما آنچه مدنظر ماست، تفاوت میان محال عرفی با محال عقلی است، مثال: خداوند، آتش را برای سوزاندن آفریده است، اما می‌تواند آن را از این کار نهی کند؛ چنان که برای حضرت ابراهیم آن را سرد و سلامت کرد.

درست است که هر چیز در هستی، خاصیت و قانون خاص خود را دارد، اما چون خداوند خالق است و اوست که این خواص را به اشیاء بخشیده است، قادر به تغییر آنها نیز هست، اگر جسمی را با ویژگی‌های خاص و به شکل مشخصی آفریده است، می‌تواند آن را دگرگون ساخته، و ساختاری دیگر ببخشد، حال از این منظر، اگر پدیده‌های اعجاز آمیزی چون اسراء و معراج در قرآن بیان شده است، لزومی ندارد که آن را حتماً تابع قوانین مادی و مشهور گنجانده، و درصدد تفسیر آن بر این مبنا باشیم؛ زیرا اسراء و معراج مبنای این قوانین را برهم زده است.

الله متعال قوانین مکان و زمان را بنیان نهاده است، اما آنگاه که محبوبش محمد ﷺ را به نزد خود خواند و او در یک زمان کوتاه از خانه‌اش تا بیت المقدس و مسیر برگشت را پیمود، خداوند اراده کرده بود که قوانین حاکم بر زمان و مکان را برایش لغو کند.^۱

(ز)

از نظر عقل، هیچ کس را توانایی بیان این مطلب نیست که بگوید: قوا و نیروهای عالم بی‌کران هستی، در همین نیروهای محسوس و مادی محصور است؛ بدیهی

۱. شگفتی‌های خداوند در جهان آفرینش، دکتر محمد راتب نابلسی؛ (ص ۷۷-۷۹) - ناشر: انتشارات آراس.



است که هر کس گویای این بیان باشد، سخافت عقل خود را به اثبات رسانده است؛ زیرا چه بسا نیروهای شگفت انگیزی که قبل از پیشرفت دامنه‌ی علوم در همین جهان مادی وجود داشت و بشر از آن غافل و از ثمره‌اش بی بهره بود، و چه بسا نیروهای شگفت‌آوری باشد که بشر امروز از آن بی‌خبر است، و روزی بنا به اراده‌ی خدای متعال در اختیار او گذارده شود. با این بیان، یادآور می‌شویم که چه منافاتی دارد، خدایی که این همه وسایل حیرت‌آور را در اختیار بشر گذارد و پس از این هم می‌گذارد، با قدرت غیر محدود خود، وسیله‌ای در اختیار پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله قرار دهد که از جو زمین بگذرد و به فضای بی‌وزنی برسد؛ شعاع سوزان خورشید را پشت سر بگذارد و به مرحله **﴿فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾** (نجم/۹)؛ تا به اندازه‌ی دو کمان یا نزدیک‌تر برسد و سالم با همان بدن عنصری به کره‌ی ارض بازگردد؟! هر کسی که عقل سلیمی بر احساساتش حاکم باشد، در امکان این موضوع، شکی نخواهد کرد.

معراج پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از مقوله قدرت خداوند و امور خارق العاده بوده و با قوانین و سنن علمی و عادی و علوم تجربی قابل تحلیل نیست؛ یعنی علم بشری قادر نیست در حوزه‌ی معجزات و امور خارق العاده الهی وارد شود و درباره نفی و یا اثبات آن نظری ارائه کند.

(ح)

از دید اندیشمندان عصر تکنولوژی، این فرضیه علمی پذیرفته شده است که امواج جاذبه زمین در لحظه‌ای کوتاه می‌تواند از یک سوی جهان به سوی دیگر آن انتقال یابد و تأثیرات خود را بر جای گذارد. وقتی احتمال اینکه در حرکات رو به تکامل هستی، منظومه‌هایی وجود دارند که با سرعتی چشمگیرتر از سرعت نور از مرکز عالم دور می‌شوند، پدیده‌ای نظیر معراج نیز محال عقلی نیست و با اصول علمی



عصر جدید، قابل انطباق و توجیه می‌باشد!

(ط)

رابطه بین موجودات و ادراک بشر به سه نوع است:

به طور کلی چیزهایی که در عالم هستی وجود دارد و ما می‌توانیم آنها را درک کنیم یا از قبیل محسوسات است، یا از قبیل معقولات، و یا هم از قبیل سمعیات می‌باشد:

۱- چیزهای که به وسیله‌ی حواس پنج‌گانه فهمیده می‌شود، آنها را محسوسات می‌گویند؛ به طور مثال تشخیص رنگها

۲- نوع دوم معقولات است که شناخت آن بوسیله‌ی حواس صورت نمی‌گیرد، (یعنی از حواس کار نمی‌گیریم) بلکه بوسیله‌ی امکان دانستن آن از طریق آثار آن می‌فهمیم، اینجاست که ضرورت به عقل است.

۳- سمعیات است، یعنی موجوداتی که نه بوسیله‌ی حواس دانسته می‌شود و نه هم عقل در شناخت آنها دخالتی دارد، فقط: برای دانستن این موجودات هیچ راهی نیست مگر اینکه ما از خبر شخصی صادق آنها را بفهمیم.

مسئله‌ی معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نه از جمله محسوسات است، و نه هم از جمله‌ی معقولات، نه می‌توانیم که آن را با چشم، گوش، خود حس بکنیم، و نه هم می‌توانیم با وسیله‌ی عقل خود آن را دریابیم، بلکه تنها به وسیله‌ی خبر است، که ما می‌توانیم آنرا دریابیم، وقتی که خبر صادق باشد، یعنی مُخْبِر (خبر دهنده) صادق باشد، اینجا لازم است که خبر او را قبول بکنیم.

حالا ما بیابیم بنیم که آیا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در خبرهایی که دادند صادق بودند یا نه؟

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در تمام خبرهایی که دادند صادق بودند؛ تا جایی که حتی مشرکین مکه اعتراف کردند و گفتند: «مَا جَرَّبْنَا عَلَيْكَ إِلَّا صِدْقًا»^۱ ما از تو چیزی جز راستی

۱. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزّل ناصر مکارم الشیرازی؛ (ج/۸/ص/۳۹۲). با اندکی تغییر و تصرف

۲. صحیح البخاری، (حدیث/۴۷۷۰).



و صداقت ندیدیم؛ ابوسفیان پیش پادشاه روم اعتراف می‌کند که پیامبر ﷺ صادق بوده است، حتی قبل از بعثت هم پیامبر ﷺ صادق و امین شناخته شدند، و اگر پیامبر ﷺ صادق و امین نمی‌بودند، چرا با وجود اینکه با مشکلاتی زیادی را در راه دعوت مواجه شدند، دست از دعوت برنداشتند؟ تمام حرف‌هایی که پیامبر ﷺ زدند از قبیل خبر دادن از نشانه‌های قیامت، فتوحاتی که بعد از ایشان صورت می‌گرفت، همه و همه قطعاً مطابق واقع اتفاق افتاد، پس حرف‌های رسول الله ﷺ کاملاً صادق و حق می‌باشد و بر ما لازم است که آن را بپذیریم.

(۷)

محال عقلی یعنی چیزی که اصلاً ممکن نیست، اتفاق بیفتد، اما بعید عقلی ممکن است اتفاق بیفتد اما خلاف عادت است، چون ما زیاد تجربه نکرده و ندیده‌ایم برای ما عادی نیست و گرنه آن چیز بر خلاف عقل نیست؛ به طور مثال: خورشید به این بزرگی نور آن بعد از هشت دقیقه به زمین می‌رسد، اما چشم ما به یک لحظه نگاه کردن خورشید را می‌بیند؛ همان خدایی که قدرت داده، چشم به یک لحظه باز شود و ببیند، قادر است که رسول الله ﷺ را به معراج ببرد.^۱

اینکه چشم به یک لحظه آسمانها را می‌بیند و برای ما عجیب نیست به خاطر آن است که ما بدان عادت کردیم، اما وقتی که قضیه‌ی معراج به میان می‌آید برای ما جای تعجب است؛ زیرا تا به حال به چشم سر مشاهده نکردیم که کسی به آسمانها بالا برود،

هم‌چنین الله متعال قدرت دارد که باد را در اختیار حضرت سلیمان علیه السلام در آورد، حضرت سلیمان علیه السلام در مدتی خیلی اندک، مسافت‌های خیلی طولانی را می‌رفتند؛ چنانچه مسیر یک ماه راه را در نصف روز طی می‌کردند، همان خدا قدرت دارد که

۱. دلائل النبوة لأبى نعيم الأصبهانی، أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد الأصبهانی رحمته؛ (المتوفى: ۴۳۰هـ)، (ج/۱/ص/۳۴۳/رقم/۲۳۹) - الناشر: دار الفوائس، بيروت.



پیامبرش را به اسراء و معراج ببرد.

هم چنین خداوندی که به آصف بن برخیا و وزیر سلیمان این قدرت را داد تا در یک چشم به هم زدن تخت بلقیس را حاضر سازد، توانایی آن را دارد تا پیامبرش را به معراج ببرد.

(ک)

حادثه‌ی انتقال پیامبر ﷺ از مدینه به سرزمین شام (مسجد الاقصی) و پس از آن به ملکوت، با قوانین فیزیکی اثبات شده است؛ چنان چه در تئوری‌های انیشتین و دیگر علمای فیزیک، هرگاه ماده‌ای به انرژی تبدیل شده، و با سرعت نور حرکت کند، زمان برای او می‌ایستد؛ این همان مطلبی است که در دانشگاه و در درس فیزیک الکترونیک، به نام پارادوکس دوقلوها می‌خوانیم، در حادثه‌ی اسراء و معراج، خداوند پیامبر ﷺ را آن قدر سریع به اسراء و معراج برد که مدت زمان خیلی کمی را در برگرفت.^۱

(ل)

در ادیان آسمانی قبلی هم چنین چیزهای وجود داشته که چنین جسمی از طرف زمین به طرف آسمان به سرعت بسیار زیادی حرکت بکند،

در سفر تکوین باب ۵ آیه‌ی ۲۴ آمده که: حضرت ادریس علیه السلام به همراه الله متعال به طرف آسمان حرکت کرد.

همچنین در سفر پادشاهان دوم شماره ۱ رقم ۱۱ چنین آمده است: « ۱ و چون خداوند اراده نمود که ایلیا را در گردباد به آسمان بالا ببرد واقع شد که ایلیا و یسع

۱. توقیع نهایی امام زمان و داستان ایجاد مسجد جمکران، محمد رضا زرگر؛ (ص/۲۲). با تصرف.



از جلجال روانه شدند... ۱۱ و چون ایشان می رفتند و گفت گو می کردند این که ارابه-ی آتشین و اسبان آتشین ایشان را از یک دیگر جدا کرد و ایلیا در گردبادی به آسمان صعود نمود».

در انجیل مرقس باب ۱۶ آیه ۱۹ چنین آمده است: «عیسی خداوند، بعد از این که با آنها صحبت کرد، به عالم بالا برده شد در سمت راست خدا نشست».

در انجیل لوقا باب ۲۴ آیه ۵۱ چنین آمده است: «در حالیکه آنان را برکت می داد از آنان جدا و به عالم بالا برده شد».

پس این تنها در دین ما نیست بلکه در دین مسیحیت و یهودیت هم است.

(م)

در تفسیر ابن کثیر آمده است: «رسول خدا ﷺ نامه مبارک خود را به پادشاه روم به وسیله «دحیه بن خلیفه» فرستاد، هرقل شاه روم پس از فرا خواندن نامه مبارک برای تحقیق و بررسی احوال آن حضرت ﷺ عده‌ای از عرب را که در آن هنگام در کشور او به جهت تجارت و رفته بودند پیش خود خواند، حسب دستور شاهی ابوسفیان بن حرب و رفقای او که با قافله مشهور تجار شام بودند، احضار شدند، هرقل شاه روم از آنها چند سؤال کرد ... ابوسفیان آرزو داشت که در این فرصت در خصوص آن حضرت ﷺ سخنانی بگوید تا تحقیر و بی‌حیثیت بودن آن جناب ﷺ ظاهر بگردد، اما ابوسفیان می گوید: هیچ چیزی از این اراده مانع من نبود غیر این که نشاید از زبان من چنان حرفی برآید که دروغ بودن آن آشکارا شود و شأن من در نظر شاه پایین آید، و رفقایم هم همیشه مرا به دروغگویی متهم کنند، البته من در آن هنگام به فکر این شدم که واقعه معراج را در محضر او بیان کنم که دروغ بودن آن را خود شاه می فهمد، پس گفتم: واقعه‌ای از او برای شما بیان می‌کنم که خود شما می دانید که آن دروغ است، هرقل پرسید: آن چه واقعه‌ای است؟ ابوسفیان گفت: آن



مدعی نبوت می گوید: او در یک شب از مکه مکرمه بیرون آمده، به مسجد بیت المقدس رسیده و سپس در همین شب قبل از صبح به مکه مکرمه برگشته به پیش ما رسیده است، در آن زمان بزرگترین عالم ایلیم (بیت المقدس) بالای سر هرقل ایستاده بود، او اظهار داشت که من از آن شب اطلاع دارم، شاه روم متوجه او شد و پرسید: تو از کجا و چگونه اطلاع داری؟ او عرض کرد: من عادت داشتم که شب تا وقتی که درهای بیت المقدس را نمی بستم نمی خوابیدم، در آن شب من حسب عادت تمام درها را بستم مگر یکی که با من بسته نشد، من کارکنانم را فراخواندم، آنها با هم کوشیدند باز هم نتوانستیم، آن را ببندیم، تخت های در، اصلاً از جای خود حرکت نکردند، چنان معلوم می شد که ما داریم کوهی را از جایش تکان می دهیم من به ستوه آمده، کارگران و نجاران را فراخواندم، آنها مشاهده کرده، گفتند ساختمان بر روی تختها نشسته است لذا قبل از بامداد نمی توان برای بند شدن آنها چاره ای اندیشید، فردا صبح می بینیم که چکار باید کرد، من مجبور شده برگشتم و هر دو تخته آن در، باز ماندند، اول صبح روز بعد باز به آن در رسیدم، دیدم که کنار در مسجد، سنگ بزرگی سوراخ شده است و چنان احساس می شد که در آنجا حیوانی بسته اند، آن هنگام من به همراهانم گفتم: شاید امروز خداوند متعال این در را بدین جهت گذاشت تا بسته شود که پیامبری می خواهد به اینجا تشریف بیاورد، و سپس بیان کرد: او در مسجد ما نماز هم خوانده است و پس از آن تفصیل دیگری را هم بیان کرد.^۱

(ن)

همه چیز را نمی توان بر اساس علوم تجربی بررسی کرد؛ زیرا علوم تجربی در مقابل

۱. تفسیر القرآن العظیم، بن کثیر (ج/۵/ص/۴۴) - الناشر: دار طیبه.



بسیاری از امور خارق العاده هیچ سخنی برای گفتن ندارد.

به طور مثال: مرتاض‌های هندی تا بیش از ۴۰ شبانه روز در قبر می‌خوابند؛ بدون

این‌که برای‌شان از لحاظ غذایی و اکسیژن مشکلی پیدا شود.^۱

یا خارج شدن شخصی به نام «هودنی آمریکایی» در برابر دیدگان همگان از اماکن

سربسته همانند صندوق آهنی قفل شده، هم‌چنین خارج شدن از زندان‌هایی که

هرگز امکان خروج از آن وجود نداشت.^۲

یا حرکت دادن اجسام از راه دور یا کارهایی همانند: خمیده ساختن قاشق و اشیای

فلزی دیگر با تمرکز چشم بر آن که توسط شخصی به نام «بوری جیلر» انجام می

گرفت. و در مؤسسات فیزیکی نیز به ثبت رسید و علم فیزیک را برای ارائه‌ی پاسخ

علمی به آن ناتوان ساخت.^۳

بنابراین معراج نیز از جمله‌ی آن اموری است که علم فیزیک از ارائه‌ی دلیلی برای

آن ناتوان شده است.^۴

مرکز هدایت در پیچه‌ای بسوی هدایت و رد اسلام ستیزان و شبهات باطل‌شان، بابا می‌پویند



مرکز هدایت؛ رد اسلام ستیزان



Hedayat1442@



۰۰۹۳۷۸۶۹۹۵۸۳۵

^۱ الوحی المحمدی (۱۴۳) محمد رشید رضا، دارالأسوه ۱۴۱۶ هـ ق

^۲ تفسیر الجواهر (۲۱۲/۱۶) علامه طنطاوی جوهری، تهران، آفتاب (۱۳۵۰) هـ ش

^۳ جهان عجایب (۱۱۰) رید رزد ایجست بوک، ترجمه: جولانی؛ تهران، نشر جویا، ۱۳۷۴

^۴ پاسخ به شبهات کلامی (دفتر سوم: پیامبر اعظم) (۸۳) نسخه‌ی عربی شده.



مرکز هدایت؛ رد اسلام ستیزان



Hedayat1442@



۰۰۹۳۷۸۶۹۹۵۸۳۵